

نقش شعارهای استکبارستیزی در ماندگاری انقلاب اسلامی

فاطمه قلی‌پور^۱

چکیده

مسئله شعار و نقش آن در ماندگاری انقلاب اسلامی، اهمیت ویژه‌ای دارد، به طوری که یکی از منابع مهم برای مطالعه انقلابات، شعارهای آن‌ها است. این منبع در مورد انقلاب اسلامی ایران دارای ابعاد گسترده‌ای است که تا کنون تحقیقات مختلفی در رابطه با آن صورت گرفته است. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (رحمه الله علیه) یکی از بزرگترین تحولات دهه‌های پایانی قرن بیستم بود که با الهام از اسلام و حقایق ناب قرآنی و حقایق اسلام ناب محمدی شکل گرفته و با طرح آرمان‌هایی همچون استکبارستیزی، نفی ظلم بر دیگران و ظلم‌پذیری، عدالت محوری، حمایت از آزادی خواهان جهان و ... ضمن اینکه کلیه معادلات جهانی را به هم ریخت، بلکه موجب الهام بخشی به سایر آزادی خواهان جهان شد. از این رو مقاله حاضر درصدد است با روش توصیفی تبیینی و با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای پس از تبیین مفاهیم واژگان، به بررسی نقش شعارهای استکبارستیزی در مبارزه با استکبار یا در ماندگاری انقلاب اسلامی بپردازد. یافته‌های مقاله بیانگر این است که، ماهیت استکبارستیزی انقلاب اسلامی سبب شده قدرت‌های استکباری و نظام سلطه، جهت تضعیف گفتمان انقلابی و براندازی نظام جمهوری اسلامی، ایران را با انواع چالش‌های سخت و نرم؛ کودتا، ترور، جنگ، تحریم، نفوذ؛ مواجه کنند. امام خمینی (رحمه الله علیه) هنگام بنیان گذار انقلاب ضمن اعلام براءت از احزاب و جناح‌ها به شعارهای استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی و ... تأکید نمودند که شعارهای فراجناهی و فراحزبی بودند.

کلیدواژه‌ها: شعار، استکبارستیزی، مبارزه، ماندگاری، انقلاب اسلامی.

مقدمه

از گذشته تا به امروز، استفاده از شعار نزد اقوام و ملل گوناگون، رایج بوده است. تداوم حیات شعار در طول تاریخ، مدیون کارکردهای مختلفی است که توان ارائه آن را داشته است، از برقراری وحدت گرفته تا تضعیف روحیه گروه مقابل. یکی از نخستین شعارها در میان مسلمانان را ابوذر غفاری سر داد.

^۱. سطح دو، حوزه علمیه الزهراء (سلام الله علیها)، 9712204547. Rwhallqrbany75@gmail.com

در صدر اسلام، هر دسته‌ای برای شناخته شدن در جنگ، شعار به خصوصی داشت. مهم‌ترین این شعارها، عبارت بود از؛ سلام، اذان، صلوات، شهادت و حجاب اسلامی.

با گسترش اسلام و با ورود به دوران پیروزی انقلاب اسلامی، شعارها، اهمیت خاصی در اعیین راهبردها و سیاست گذاری داخلی و خارجی پیدا کردند. در مبارزات امام خمینی (رحمه الله علیه) و نهضت اسلامی، شعارها از مهم‌ترین عوامل وحدت میان مردم بودند و نقش مهمی در پیروزی و ماندگاری انقلاب داشتند. ایشان با تأکید بر نقش تأثیرگذار شعار، از افرادی که در اجتماعات بزرگ، خود به خود و از روی شور حاکم و بدون توجه، از یک شعار تبعیت می کنند، انتقاد می کرد.

در پیشینه « نقش شعارهای استکبارستیزی در مبارزه با استکبار یا در ماندگاری انقلاب اسلامی » مقالات مختلفی در این حیطه و نزدیک به این عنوان نوشته شده است که به برخی از این مقالات اشاره شده است:

1- مقاله‌ی « مطالعه‌ی نقش شعارهای اجتماعی در میزان توجه به تبلیغات محیطی به وسیله‌ی بررسی تعقیب بینایی»، نوشته‌ی داوود حسین آبادی ساده و دیگران، 1396. هدف از این پژوهش، بررسی نقش صحت در تبلیغات بیلبرد و آزمون بازاریابی اجتماعی با استفاده از عنصر شعار تبلیغاتی است.

2- مقاله‌ی « اهمیت شعارهای تبلیغاتی و طراحی صحیح آن‌ها در ارزش ویژه برند.» نوشته‌ی احمد اسد زاده، 1394. در این مقاله نویسنده سعی کرده است تا با مطرح کردن بحث شعارهای تبلیغاتی و بررسی تأثیر آن در ایجاد ارزشی برای برند از طریق ایجاد آگاهی از برند و تصویر ذهنی برند، به بیان اصولی در جهت طراحی اثر بخش شعارهای تبلیغاتی بپردازد.

3- مقاله‌ی « راه کارهای تحقق شعار سال 1401 با عنوان؛ تولید، دانش بنیان و اشتغال آفرین در دانشگاه‌ها»، نوشته‌ی حسین قربانی»، هدف از این مقاله، ارائه الگوی تولید، دانش بنیان و اشتغال آفرینی به عنوان شعار سال 1401 در دانشگاه‌ها است.

با بررسی در پیشینه‌ی فوق، تمامی مقالات در زمینه تحقق و نقش و راه کارهای شعار در سال‌های اخیر است. اما مقاله حاضر نقش شعارهای استکبار ستیز را در تحقق و ماندگاری انقلاب اسلامی بررسی کرده است. لذا سؤالات این مقاله از این قرار است:

سؤال اصلی: شعارهای استکبار ستیزی چه نقشی در ماندگاری انقلاب اسلامی داشت است؟

سؤال‌های فرعی: 1- مفاهیمی چون؛ شعار، استکبار، انقلاب اسلامی دارای چه معنایی هستند؟ 2- در انقلاب اسلامی، شعارهای استکبار ستیزی با چه عنوان‌هایی به کار برده می شد؟

1. مفهوم شناسی

در ابتدا لازم است مفاهیم به کار رفته در این مقاله بررسی شود.

1-1. شعار

واژه شعار از ریشه شعر گرفته شده که به معنای چندی مانند جامه زیرین و نشان اهل جنگ و سفر که یکدیگر را با آن بازشناسند آمده است.¹ و در جای دیگر به معنای دانستن یا آگاهی یافتن و با خبر بودن از چیزی بیان شده است.²

این کلمه در زبان فارسی در معانی گوناگونی به کار رفته است. گاهی به معنای رسم و عادت،³ و گاهی نیز به معنای نشان و علامتی که وسیله شناخت گروهی از مردم قرار می‌گیرد و یا جمله یا عبارتی که نشان دهنده خواست‌ها و عقاید عده‌ای از مردم باشد به کار رفته است.⁴

در معنای دیگر، به معنای چیزی است که نوعی اعلام وابستگی در آن وجود داشته باشد و وابستگی انسان به یک گروه، فرقه، کشور یا یک حزب و جمعیت را اعلام کند.⁵ همچنین یکی از دستورها و مقررات دین اسلام، لزوم بزرگداشت شعائر به معنای شعارهای اسلامی است و یک فرد مسلمان با این‌ها وابستگی خودش به اسلام را اعلام می‌کند.⁶ مانند: کعبه و حج که قرآن کریم آن را از شعائر اسلامی می‌داند: لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ؛ «برای شما در دام‌های قربانی تا زمانی معین سودهایی است؛ مانند سواری گرفتن و تغذیه از شیر و گوشت آن‌ها؛ سپس جایگاه فرود آمدنشان برای قربانی به سوی خانه کهن؛ یعنی خانه کعبه است».⁷ و شعائر، جمع شعار است. گاهی هم شعار به شکل اعتراض جمعیت در انقلاب‌ها و مبارزه‌های اجتماعی مطرح شده است. که همین معنا مدنظر است.⁸

¹. ابن منظور، لسان العرب، ج 4، ص 413.

². آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، ص 333.

³. معین، فرهنگ فارسی، ج 2، ص 2047.

⁴. دهخدا، لغت نامه، ج 9، ص 12601.

⁵. مطهری، مجموعه آثار، ص 360.

⁶. همان، ص 379.

⁷. حج: آیه 3.

⁸. مریم السادات اسعدی فیروزآبادی و دیگران، «جلوه‌های ادبی سیاسی شعارهای دوران انقلاب ایران»، ص 26.

2-1. استکبار

استکبار از ریشه کبر، در لغت به معنای خود بزرگ بینی، برتری جویی، عدم پذیرش حقیقت و گردن کشی در مقابل واقعیت آمده است.¹ و در جای دیگر در معنای متکبر معنا شده است. واژه متکبر به تمام کسانی که خود بزرگ بین هستند اطلاق می‌گردد. که در دو معنای استعمال شده است: یکی ممدوح که در مورد خداوند به کار رفته است، و آن دارا بودن بزرگی و کارهای نیک و صفات پسندیده فراوان است، و دیگری، نکوهیده و مذموم، که در مورد غیر خدا به کار می‌رود، و آن این است که افراد کوچک و کم مقدار، ادعای بزرگی کنند و صفاتی را که ندارند، به خدا نسبت دهند، و از آنجا که عظمت و بزرگی، تنها شایسته مقام خدا است، این واژه به معنای ممدوحش، تنها درباره خداوند به کار می‌رود و هرگاه در غیر مورد خداوند به کار رود، به معنای مذموم است.²

کبر و تکبر و استکبار معانی نزدیک به هم دارد. و به معنای برتری جویی کسانی است که به خاطر قوت جسمانی یا مال و ثروت بوده است.³

براین اساس، استکبار دو معنا دارد؛ نخست این که انسان تلاش کند که بزرگ شود و به اصطلاح شرایط لازم را برای بزرگی از هر نظر آماده کند، این استکبار ممدوح، دیگر این که بزرگی را به خود ببندد بی آن که شایسته آن باشد، و این مذموم است، که در قرآن مجید از آن مذمت شده، چنانکه درباره شیطان می‌خوانیم: اَبٰی وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ «او از سجده کردن بر آدم ابا کرد و تکبر نمود.»⁴

3-1. انقلاب اسلامی

عبارت انقلاب اسلامی از دو واژه انقلاب و اسلام شکل گرفته است، که به معنای آن‌ها پرداخته شده است.

1-3-1. انقلاب

مفهوم انقلاب مانند بسیاری از پدیده‌های اجتماعی دیگر، دارای تعریف واحد و متفق میان همه نیست. شاید به تعداد اندیشمندانی که درباره آن به بحث پرداخته‌اند، از انقلاب تعریف ارائه شده است. تعاریفی که از انقلاب ارائه شده است را می‌توان در 3 دسته جای داد: گروهی از تعاریف، انقلاب را براساس نیت انقلابیون

¹. سیاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین، ج 2، ص 1685.

². مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 23، ص 563.

³. مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج 1، ص 382.

⁴. بقره: آیه 34.

تعریف کرده‌اند. گروه دوم، انقلاب را براساس نتایج و پیامدهای آن شناسایی کرده‌اند و از نظر گروه سوم، انقلاب به عنوان یک فرایند، مورد بررسی و تعریف قرار می‌گرفته است.^۱

براساس نیت انقلابیون: از آنجا که اقدام انقلابی همیشه با موفقیت همراه نیست، گروهی از اندیشمندان در عین حال که می‌کوشند انقلاب را از سایر اشکال تحولات خشونت‌آمیز متمایز سازند، سعی دارند تعریف انقلاب را به گونه‌ای مطرح کنند که شامل انقلاب‌های ناموفق نیز بشود لذا بر نیت انقلابیون به همراه اهداف آن‌ها تأکید می‌کنند. «آرتور باوئر» انقلاب‌ها را عبارت از؛ تلاش‌های موفق یا ناموفق می‌داند که به منظور ایجاد تغییراتی در ساخت جامعه از طریق اعمال خشونت انجام می‌گیرد.^۲ شهید مطهری نیز معتقد است: «انقلاب نوعی عصیان و طغیان است علیه نظم موجود و وضع حاکم به منظور برقراری نظم مطلوب».^۳

این تعریف از آنجا که دامنه تغییرات را مشخص نمی‌کند، می‌تواند شامل انقلاب‌های سیاسی و تغییر در سطح نخبگان یا سیاست‌ها، انقلاب اجتماعی و یا تغییرات عمیق در کلیه ساختارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی باشد و از آن جا که به گستره مشارکت یا عناصر اقدام کننده نمی‌پردازد، تحولاتی چون کودتا را نیز شامل می‌شود.

براساس پیامدها: این گروه تعاریف انقلاب را بر اساس نتایج و پیامدهای آن تعریف می‌کنند. یکی از معروف‌ترین این تعاریف از آن «ساموئل هانتینگتون» است. به نظر او: «انقلاب یک دگرگونی سریع، بنیادین و خشونت‌آمیز داخلی در ارزش‌ها، اسطوره‌های مسلط جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری، فعالیت‌های حکومتی و سیاست‌های آن است».^۴

در این تعریف اولاً؛ ریشه‌های کوتاه مدت یا دراز مدت این «تحول سریع» را مورد توجه قرار نداده است. ثانیاً؛ به سادگی نمی‌توان عمق یک تحول را روشن کرد که آیا بنیادین هست یا نه؟ و یا اینکه این دگرگونی در بسیاری از انقلابات در همه ابعاد نبوده و انقلابیون معمولاً موفق به تغییر در ابعاد مختلف نمی‌شوند. براساس مدل فرایند: تأکید این تعاریف بر مسئله چگونگی انتقال قدرت سیاسی با تکیه بر کاربرد زور و خشونت است. «لئو تروتسکی» و «فریدریش انگلس» معتقد هستند: انقلاب با تجزیه اقتدار حکومتی در یک سرزمین به یک یا چند بخش که هر یک ادعای مشروعیت دارند، شروع می‌شود و هنگامی خاتمه می‌یابد که یک گروه یا ائتلاف با پیروزی به قدرت انحصاری با ثبات برسد. براساس این برداشت آغاز حاکمیت

۱. حمیرا مشیرزاده، «نگرشی اجمالی به نظریه‌ی انقلاب در علوم اجتماعی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن»، ص 15.

۲. جانسون، تحول انقلابی، ص 17.

۳. مطهری، مجموعه آثار، ص 141.

۴. حمیرا مشیرزاده، «نگرشی اجمالی به نظریه‌ی انقلاب در علوم اجتماعی انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن»، ص 19.

این شعار برگرفته از آیه قرآن است که می‌فرماید: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» خدا نور وجود بخش آسمان‌ها و زمین است. داستان نورش به چراغ دانی می‌ماند که در آن چراغی بر افروخته باشد و آن چراغ در میان شیشه‌ای است که چون ستاره‌ای درخشان است. این چراغ فروزان، درخت زیتون مبارکی است که نه شرقی است و نه غربی. مایع روشنایی آن، چنان است که بی‌هیچ آتشی، فروزان است. اشعه نوری است که بر روی هاله‌های نور، متراکم است. خداوند هرکس را که بخواهد، به نور خود رهنمون می‌شود و ...»^۱

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، از آن به عدم وابستگی به شرق و غرب تعبیر کرده و می‌افزاید: این آیه، دلالت کافی بر عدم کفایت شرق و غرب دارد. وی معتقد است که خوبی و مرغوبیت این درخت به خاطر نه شرقی و نه غربی بودن آن است؛ چرا که بدون هرگونه وابستگی به افق شرق و غرب، نور مورد نیاز خود را به‌طور مستقیم از خود خورشید تامین می‌کند.^۲

ملت عزیز ایران به این وسیله توانستند موجبات تداوم انقلاب اسلامی را با چنین شعاری حفظ کنند و باعث ماندگاری انقلاب اسلامی شوند.

3-3. مرگ بر شاه

در میان مجموعه گسترده شعارهای دوران مبارزه علیه رژیم پهلوی، یکی از بیشترین محورهای متعلق به شعارهایی است که علیه خاندان سلطنتی به خصوص شخص محمدرضا پهلوی سر داده می‌شد. در واقع میزان این شعارها به اندازه‌ای همه‌گیر بود که تقریباً «مرگ بر شاه» فریاد همیشگی مردم در تظاهرات‌های دوران انقلاب بود.

مخالفت و کینه مردمی علیه رژیم پهلوی بیشترین رنگ را در شعارهای انقلابی داشت بطوری که حدود نصف شعارهای سیاسی انقلاب، در محکوم کردن و دشمنی با خود شاه و اعمال و سیاست‌های او بوده است.^۳ شعارهای «ای شاه خائن آواره کردی، خاک وطن را ویرانه کردی»، «سلطنت پهلوی نابود باید گردد»، «پیروز باد ملت بر شاه ننگ و نفرت»، «می‌کشی جوانان را؛ حامیان قرآن را؛ مرگ بر این شاه» و ... گوشه‌ای

^۱. نور: آیه ۳۵.

^۲. طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۴.

^۳. پناهی، جامعه شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، ص ۲۸۰.

از خشم و تنفر ملت ایران از شخصیت اول رژیم پهلوی است. از سوی دیگر این جهت‌گیری عمومی را می‌توان در تمام وقایع سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی مشاهده کرد که مردم مسئولیت هر حادثه‌ای را مستقیماً به شخص محمد رضا پهلوی نسبت می‌دادند و آن را نتیجه اعمال سیاست‌های او قلمداد می‌کردند. برای نمونه شعار «کتاب قرآن را، مسجد کرمان را، رکس آبادان را، شاه به آتش کشید» از شعارهایی بود که در این دسته از راهبردهای مبارزاتی قرار می‌گرفت.

از سوی دیگر اوج تأثیرگذاری این شعارها در فرار محمد رضا پهلوی از کشور در 26 دی 57 و خوشحالی وصف ناپذیر مردم از آن واقعه به چشم می‌خورد. «گویی ملت ایران همه فشارهای سیاسی تاریخ خود و استبداد و اختناق و تحقیر شدن چند هزار ساله خود را در قالب این شعارها ریخته، آن‌ها را شجاعانه و بی‌پروا نثار شاه، به عنوان سمبل نظام استبدادی چند هزار ساله کرده‌اند»¹

ملت ایران با سر دادن این شعار و صدور به سراسر جهان، موجب پیروزی و ماندگاری انقلاب اسلامی شد و اکنون این شعار به شعار مرگ بر آمریکا درآمده که هر ساله مردم عزیز ایران با سر دادن این شعار موجب تداوم و ماندگاری انقلاب اسلامی شده‌اند.

¹. مرکز اسناد، فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی، ص 280.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب فوق، شعارهای استکبار ستیزی که برخی از راهبردی‌ترین‌های آن‌ها بررسی شد، می‌تواند نقش مهمی در ماندگاری انقلاب اسلامی مؤثر باشد.

در این پژوهش بررسی شد که شعار، به معنای جمله یا عبارتی است که نشان دهنده خواست‌ها و عقاید عده‌ای از مردم باشد و استکبار به معنای خود بزرگ بینی، برتری جویی، عدم پذیرش حقیقت و گردن کشی در مقابل واقعیت است. همچنین انقلاب اسلامی به معنای؛ حرکت امت مسلمان در جهت تغییر نظام غیر اسلامی موجود و جایگزین نمودن یک نظام جامع و کامل اسلامی به جای آن است.

در بدو انقلاب اسلامی، شعارهای مختلفی از سوی مردم بیان شد که مهم‌ترین آن‌ها، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی و مرگ بر شاه بود.

توجه می‌شود که مردم با اهتمام به استقلال و آزادی به خودباوری می‌رسند و با شعار نه شرقی نه غربی ... عدم وابستگی به غیر را می‌آموزند و با توجه به شعار مرگ بر شاه، نظام استبدادی را شناخته و از این طریق باعث ماندگاری انقلاب اسلامی می‌شوند.

فهرست منابع

- قرآن کریم، انصاریان، حسین، تهران، 1396.
- 1- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت - لبنان، دار أحياء التراث العربی، 1418 ق.
 - 2- آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران، نشر نی، 1383.
 - 3- بازرگان، مهدی، انقلاب ایران در دو حرکت، تهران، نشر مؤلف، 1363.
 - 4- پناهی، محمدحسین، جامعه شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، تهران، علم، 1392.
 - 5- جانسون، چالمرز، تحول انقلابی، حمید الیاسی، تهران، امیرکبیر، 1363.
 - 6- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، انتشارات روزنه، 1372.
 - 7- سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین عربی به فارسی، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، 1387.
 - 8- صدیقی، کلیم، نهضت های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، سید هادی خسروشاهی، تهران، اطلاعات، 1379.
 - 9- طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، قم، انتشارات اسلامی، 1378.
 - 10- طریحی، فخرالدین بن محمدعلی، مجمع البحرين، احمد حسینی اشکوری، تهران، مکتبه المرتضویه، 1375.
 - 10- محمدی، منوچهر، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دادگستر، 1377.
 - 11- مرکز اسناد، فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1390.
 - 12- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، صدرا، 1389.
 - 13- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، 1380.
 - 14- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1381.
 - 15-، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1380.
 - 16- منصوری، جواد، نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، امیرکبیر، 1365.
 - 17- موسوی خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله علیه)، 1378.

- 18- مجموعه آثار، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله علیه)،
1394.

مقالات و پایان نامه ها

- 1- « استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی؛ ماندگارترین شعار انقلاب اسلامی»، 1389/11/18.
- 2- « روزنامه جمهوری اسلامی»، 1360/11/6.
- 3- « گذری بر شعارهای انقلاب اسلامی»، 1398/3/25.
- 4- بهرام نوازی، « تبیینی بر نه شرقی و نه غربی؛ بررسی شعارهای مطرح شده در انقلاب اسلامی»،
ش 41، 1384.
- 5- حمیرا مشیرزاده، « نگرشی اجمالی به نظریه‌ی انقلاب در علوم اجتماعی»، مجموعه مقالات سمینار
انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، قم، 1374.
- 6- لقمان بایمتوف، « اصول نه شرقی و نه غربی امام خمینی (رحمه الله علیه)»، ش 23، 1377.
- 7- مریم السادات اسعدی فیروزآبادی و دیگران، « جلوه‌های ادبی سیاسی شعارهای دوران انقلاب
ایران»، مطالعات انقلاب اسلامی، 1392، ش 35.